



صنایع دستی زنان از نگاه شرق شناسان

چرا نمی توانم خودم باشم؟

زنان بابت هیچ چیز به اندازه جوانی و زیبایی تحسین نمی شوند

یک نفر در جشن عروسی خواهرم زل زد توی چشم هام و به من گفت که واقعا آدم احق و بی ذوقی هستم که برای عروسی خواهرم نرفته ام آرایشگاه و من ۴۸ ساعت تمام داشتم به این فکر می کردم که آیا من واقعا...



شهربانو



۲ علت درونی انگیزه طلاق ها

هر بار که جروب بحث ها به بن بست می رسد، فکر جدایی مثل خوره به جانم می افتد. در حین کار روزانه و شب ها قبل از خواب به این فکر می کند که بدبخت ترین زن روی زمین است و باید تصمیمش را بگیرد

بازی سنگ و رنگ در دستان زنانه

گفت وگو با خدیجه احتشامی، نگارگری که می داند چگونه هنر را به سرمایه تبدیل کند

۲

۷



عفت رضوی
روزنامه نگار

((پرتو

بیایید حرفی از توسعه زننیم

تصور پرنده ای که تنها با یک بال قصد دارد در آسمان پرواز کند برای کودکان نابالغ هم تصویری دور از ذهن است. حال چگونه جامعه ای که مدام از نقش نیروی انسانی در توسعه حرف می زند، می تواند بدون مشارکت هردو بالش که زنان و مردان باشند، بر مدار توسعه به پرواز درآید. بیایید حرفی از توسعه زننیم مادامی که نمی خواهیم اشتغال زنان را به عنوان نیمی از جامعه در مناصب عالی دولتی و خصوصی به رسمیت بشناسیم. گاهی به نظر می رسد فرقی میان افراد نیست چون در عمل، نتیجه یکی است. اکنون هم که جامعه به سمت پیشرفت در حال حرکت است، باز هم با کم رنگ بودن نقش زنان در حصول کرسی های وزارت خانه ها، مجلس و حتی شورا های شهرها و همین طور مدیریت کلان بخش خصوصی روبه رو هستیم و زنان به لحاظ جایگاه های مدیریتی، وضعیت چندان مطلوبی ندارند. این در حالی است که زنان در سال های اخیر، به لحاظ آموزش و کسب مدارج تحصیلی، پیشرفت فراوانی داشته اند و هرسال بر تعداد دختران پذیرفته شده در دانشگاه ها افزوده می شود. پس کجای کار می لنگد؟ چرا همچنان زنان در نقش های کلیدی اقتصادی و سیاسی کشور، جایگاهی ندارند یا گاهی یک مدیر مرد به راحتی جایگزین یکی از بانوان توانمند می شود و نه تنها مردان حامی حقوق زنان، که حتی زنانی هم برای از دست دادن آن کرسی که در شرایط کنونی بسیار ارزشمند است مطالبه گری نمی کنند. از طرفی، در سال های اخیر، اگر بانوانی هم عهده دار نقش های کلیدی مدیریتی بوده اند، به چشم هم زدنی، زمان را از دست داده اند طوری که کمتر کسی از آن ها یاد می کند.

گروهی از زنان از شبکه اینستاگرام برای نشان دادن و به اشتراک گذاشتن مادرانه های خودشان استفاده می کنند. مادران اینستاگرامی ۲ دسته متفاوت دارند: بعضی از این مادران از فرزندانشان به عنوان ابزاری زیبا و دوست داشتنی برای به دست آوردن فالوئرهای بیشتر و تبلیغات استفاده می کنند اما بعضی دیگر تجربه مادری خود را در این صفحات با مادران دیگر به اشتراک می گذارند.

این دسته دوم از مادران اینستاگرامی مادران جوانی هستند که معمولا کودکانی زیر ۱۰ سال دارند. آن ها با دقت و جزئیات از لحظه ها و تجربه های مادرانه خود می نویسند، از مشکلاتی که با فرزندانشان دارند راه حل هایی که پیدا می کنند، از بازی های خلاقانه ای که با کودک خود انجام می دهند، از کتاب های مفیدی که پیدا کرده اند، از دوره های والدگری ای که گذرانده اند، و... آن ها احساسات شادمانه خودشان از رشد و بزرگ شدن کودکانشان را همراه با شوقی مادرانه به تصویر می کشند.

در صفحات این زنان، مادر بودن بیشترین چیزی است که دیده می شود. حتی اگر آن ها زنانی شاغل و فعال در جامعه باشند، فعالیت های اجتماعی و کاری خود را زیاد مطرح نمی کنند و خودشان را بیشتر در ارتباط با کودک و در نقش مادری تصویر می کنند. از این جهت، هویت مادران اینستاگرامی شباهت زیادی به تصویر سنتی از زنان دارد، زنی که هوشش با فرزندش و در کنار فرزندش تعریف می شود نه به صورت مستقل.

مادران اینستاگرامی، قدرت زنانه در مقابل ساختارهای سنتی

در هر شماره از «شهربانو» به بخشی از فعالیت های زنان در اینستاگرام می پردازیم. در شماره های قبل، از دختران و زنانی گفتیم که تحت عنوان بلاگر در این شبکه فعالیت می کنند. این بار مادران اینستاگرامی را بررسی خواهیم کرد.



(یادداشت) (زهرارزدگانی)
ژنوهشگر مطالعات رسانه ای زنان

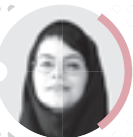
اغلب مادران اینستاگرامی حس خوشایندی را نسبت به مادری ابراز می کنند و صدای نارضایتی یا سختی های تجربه مادری توسط آن ها شنیده نمی شود. اگر هم مشکلی با فرزند یا مادرانگی خود داشته باشند، از روان شناسی و روان شناسان کمک می گیرند. صفحات آن ها پر است از توصیه ها و نکات روان شناسان کودک. مردان عضو غایب این صفحات اند. معمولا همسران این مادران اینستاگرامی حضور کم رنگی در صفحات و در فرایند فرزندپروری دارند. فرزندپروری وظیفه و کاری تماما زنانه نشان داده می شود و کمتر به نقش پدر در فرایند والدگری پرداخته می شود. در حقیقت، صفحه مادران اینستاگرامی بازتولیدی دوباره و امروزی از تقسیم کار جنسیتی سنتی بین زنان و مردان است. در دیدگاه های سنتی، فعالیت های داخل خانه مانند خانه داری و تربیت فرزندان مخصوص زنان و کارهای بیرون و فعالیت های اجتماعی برای مردان در نظر گرفته می شده است در حالی که در دیدگاه های جدیدتر و برابری جویانه تر، همسران به زنان مشارکت بیشتری در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه دارند، مردان نیز همراهی بیشتری در فعالیت های داخل خانه به خصوص فرزندپروری به عهده می گیرند. بر خلاف دیدگاه های جدید، در صفحات مادران اینستاگرامی، نقش پدر بسیار کم رنگ است و تربیت فرزند فعالیتی کاملا زنانه محسوب می شود. باید آگاه بود که بازتولید تقسیم کار کلیشه ای جنسیتی ساختارهای نظام می کنند.

جنگ و خشونت اصلی ترین دلایل آوارگی کودکان و خانواده هایشان است. درگیری های مسلحانه و استفاده از مواد منفجره به جراحت و مرگ و تخریب مدارس، بیمارستان ها، منابع آب و دیگر زیرساخت های غیرنظامی می انجامد و کودکان و خانواده هایشان را از محل زندگی خود فراری می دهد. معمولا در بازه بحران (جنگ ها یا بلاهای طبیعی) قاچاق کودکان، ازدواج کودکان، خشونت خانگی و ثبت نام اجباری کودکان در گروه های مسلح شدت پیدا می کند و به تبع آن، نگرانی ها درباره محافظت از کودکان افزایش می یابد.

امروز کودکان بیشتری در مقایسه با هر زمان دیگری درون کشورهای خود آوارگی و تجربه می کنند و داستان های غم انگیز آوارگی رواج بیشتری پیدا کرده اند. در پایان سال ۲۰۱۹ میلادی، حدود ۴۶ میلیون نفر از مردم جهان، به علت خشونت و جنگ، درون کشورهای خود آواره شدند. حدود نیمی از این جمعیت (۱۹ میلیون نفر) کودکان تشکیل می دادند. میلیون ها نفر نیز سالیانه در پی بلایای طبیعی آوارگی و تجربه می کنند. تبعیض، انکار حقوق گروه های خاص و به رسمیت نشناختن افراد به عنوان شهروندان یک کشور، هسته اصلی بسیاری از انواع آوارگی را تشکیل می دهند. به رسمیت نشناختن افراد به عنوان شهروند، اغلب در نتیجه تبعیض های نژادی، قومیتی، مذهبی و جنسیتی، و به طور کلی اقلیت ها به وجود می آید. با نگاهی به آینده، کمبود منابع زیست محیطی و جنگ ها تداوم پیدا خواهد کرد و به ابعادی وسیعی از آوارگی ختم خواهد شد. بانک جهانی

هدی جاودانی
مترجم

((آفاق



گمشده در خانه*

درباره آوارگی کودکان دنیا در میانه بحران

پیش بینی کرده است تا سال ۲۰۵۰ میلادی ممکن است بیش از ۱۴۰ میلیون نفر درون کشورهای خود آواره شوند. در بسیاری از کشورهای جهان، کودکان آواره برای همیشه از دسترسی به خدمات ابتدایی شهروندی محروم اند. این مسئله به ویژه حق تحصیل، سلامت، امنیت را از آنان سلب می کند. کودکانی که از فضای باثبات و امن خانه ها و جوامعی که برای بالندگی به آن ها نیاز دارند (خانواده، دوستان، هم کلاسی ها و معلمان) جدا می افتند، در معرض آسیب ها و خطرات متعددی قرار می گیرند. اهداف توسعه پایدار (SDG) متعهد شده است هیچ کدام از این کودکان بدون پشتیبان رها نشوند، اما در سراسر دنیا میلیون ها نفر از کودکان آواره در آمارهای رسمی کشورهای خود غایب اند، دسترسی به آن ها دشوارتر از هر گروه دیگری است و بیش از دیگران به حاشیه رفته اند. محافظت از کودکان آواره نه تنها حقی پذیرفته است بلکه به ساخت جوامع و اقتصادهایی بالنده می انجامد. اقدامات لازم برای حمایت از کودکان این ظرفیت را دارند تا به چرخشی عظیم در سرنوشت کشورهای و رشد اقتصادی آن ها بدل شوند و راه را برای تضمین یک زندگی شاد و به دور از هر گونه آسیب برای تمامی کودکان هموار کنند. کودکان نیازهای خود را بهتر از هر کس دیگری می دانند و می توانند به توسعه راه حل های قدرتمندتر کمک کنند و در زندگی خود اثرگذار باشند. صدای آنان و نظراتشان باید شنیده و در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها اعمال شود تا از حق ایمنی، امنیت و رفاه آنان به بهترین نحو دفاع شود. * برگرفته از گزارش ماه مه ۲۰۲۰ یونیف

